



# شصت و سه

یادمانده‌های استاد حسین تهرانی

به کوشش  
محمود رفیعیان

با مقدمه میرعلیرضا میرعلی نقی

## šast o se

The Remembrance of  
Iranian Famous Tombak Musician  
Hossein Tehrani

1911 - 1974

Prepared by Mahmood Rafieian  
Preface by Mir-Alireza Mir-Alinaghi

## شصت و سه

یادمانده‌های استاد حسین تهرانی  
با مقدمه میرعلیرضا میرعلینقی

به کوشش

محمود رفیعیان

ویراستار میرعلیرضا میرعلی‌نقی

صفحه‌آرایی شهرام فرجی

نمونه‌خوانی مریم نیک‌پور

لیتوگرافی زیتون، چاپ نقش ایران، صحافی گلستان

چاپ یکم ۱۴۰۱، شمارگان ۵۰۰ جلد

شابک ۱ - ۲۸۳ - ۱۳۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 130 - 283 - 1

همه حقوق چاپ، نشر و توزیع این اثر محفوظ است.



انتشارات شباهنگ

مرکز پخش خیابان انقلاب، خیابان شهدای ژاندارمری، پلاک ۶۰، تلفن ۶۶۹۶۴۲۳۵ - ۶

فروشگاه ۱ خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۹۴، تلفن ۶۶۴۹۱۰۹۸

فروشگاه ۲ خیابان انقلاب، خیابان فروردین، ساختمان ناشران، پلاک ۲۷۳، تلفن ۶۶۹۵۳۶۰۹ - ۱۰

## فهرست

- ۱۱ ..... سالشمار زندگی و فعالیت‌های هنری حسین تهرانی
- ۱۵ ..... یگانه‌ترین هنرمند - میرعلیرضا میرعلی‌نقی

### بخش اول یادمانده‌ها

- ۳۱ ..... اول آدم باشید بعد هنرمند - مرتضی عبدالرسولی
- ۳۳ ..... سبک نوازندگی تازه تمبک - علینقی وزیری
- ۳۴ ..... حسین تهرانی در کنسرت‌های هنرستان - روح‌الله خالقی
- ۳۸ ..... انتقاد از سرعت - قباد ظفر
- ۳۹ ..... اول انسانیت - حسین قوامی
- ۴۰ ..... معرفی به رادیو - روح‌انگیز
- ۴۱ ..... خاطره سفر به اروپا - علیرضا بهاری
- ۴۲ ..... نابغه تمبک - جواد معروفی
- ۴۴ ..... معرفی حسین تهرانی - بهمن هیربد
- ۴۶ ..... من هم ای یاران تنها ماندم - علی تجویدی
- ۴۷ ..... خاطرات هنری - محمود ذوالفقون
- ۴۹ ..... برای حسین تهرانی ضرب، قلب موسیقی بود - پرویز خطیبی
- ۵۴ ..... نبوغ تمبک و تمبک نوازی - منوچهر همایون‌پور
- ۵۷ ..... نقدی بر کتاب «آموزش تمبک» - پرویز منصوری
- ۶۰ ..... با حسین در خانه قمر - اسماعیل نواب‌صفا
- ۶۶ ..... حسین تهرانی و کوک تمبک - حسین ملک
- ۶۷ ..... گردش‌های علمی - تفریحی - منصور گلزاری
- ۶۸ ..... خالق ریتم و انعکاس رنج‌ها و جدایی‌ها - منوچهر جهانگللو
- ۷۵ ..... الحق که تو بهتری - احمد ابراهیمی

- ۷۶ ..... شبی با شهریار و هرمزی و تهرانی - امیر هوشنگ ابتهاج هـ. الف. سایه
- ۸۱ ..... ویژگی‌های انسانی و اخلاقی حسین تهرانی - حسین دهلوی
- ۸۳ ..... وصف استاد از زبان استاد - حسن کمایی
- ۸۵ ..... تهرانی و حبیب - فریبرز کامران
- ۸۷ ..... تحولات و ابتکارات تهرانی - داریوش صفوت
- ۸۸ ..... مردی که با تمبک شگفتی می‌آفرید - عماد رام
- ۹۴ ..... غوغای ستارگان - همایون خرم
- ۹۸ ..... تهرانی، حبیب و خالقی - طلحه کامران
- ۱۰۱ ..... تنها عکس بدون عینک - پروین غفاری
- ۱۰۲ ..... در خدمت استاد - سیاوش اکبری سنه
- ۱۰۳ ..... دلیل این دفتر - فریدون گیلانی
- ۱۰۵ ..... حسین تهرانی: دوست و همکار هنرمند - فرامرز پایور
- ۱۰۸ ..... تنها استاد است که استاد می‌پرورد - جهانگیر ملک
- ۱۱۲ ..... دشتی در اتاق در بسته - ناصر مجرد
- ۱۱۴ ..... از نگاه شاگرد - محمد اسماعیلی
- ۱۱۶ ..... درنگ قلبی که هماهنگ با پنجه‌های صاحبش ریتم تند زندگی رامی نواخت - محمود خوشنام
- ۱۲۲ ..... خاطرات هنرستان موسیقی با یاد حسین تهرانی - فرهاد فخرالدینی
- ۱۲۶ ..... درس ادب - جلال ذوالفنون
- ۱۲۷ ..... حسین تهرانی در آثار فرامرز پایور - ارفع اطرابی
- ۱۳۲ ..... دو یار جدانشدنی - کیخسرو ظفر
- ۱۳۴ ..... سلوک خوش حسین تهرانی - میلاد کیایی
- ۱۳۷ ..... حسن و حسین دو یار هم‌ردیف - محمدرضا لطفی
- ۱۳۹ ..... شنیدن صدای تمبک تهرانی از رادیو تهران - مسعود بهنود
- ۱۴۰ ..... نقش تهرانی در ریتم‌های ایرانی - ژان دورینگ
- ۱۴۲ ..... تهران، تمبک، تهرانی - حسین علیزاده
- ۱۴۴ ..... فعالیت تهرانی در هنرستان موسیقی ملی - برگرفته از مجله موزیک ایران
- ۱۴۵ ..... تهرانی: ضرب قلب تپنده موسیقی ماست - بررسی روزنامه اطلاعات

فهرست ■ ۷

- از مرگ سخت می‌ترسید ولی کاری از دستش ساخته نبود! - مجله اطلاعات هفتگی ..... ۱۵۱
- عالم - محمدحسین شهریار ..... ۱۶۰
- مکتوب منظوم ..... ۱۶۱
- مرحبا حسین ..... ۱۶۲
- در جواب حسین طهرانی - نیما یوشیج ..... ۱۶۳
- بزم خاموش - مهدی سهیلی ..... ۱۶۶
- در خلوت غم - هوشنگ ابتهاج ..... ۱۶۷
- اوج - لعبت والا ..... ۱۶۸
- حسین تهرانی هم خاموش شد - ابراهیم صهبا ..... ۱۶۹
- حسین‌خان طهرانی کیست؟ - امیر منصور ..... ۱۷۰
- حسین تهرانی در فیلم طوفان زندگی - بررسی فیلم ..... ۱۷۲
- ریتم به روایت کارگردان - منوچهر طیب ..... ۱۷۷
- طیب به روایت فیلم ریتم - همایون امامی ..... ۱۸۴
- فیلم‌شناسی تفصیلی ..... ۱۸۶
- جنبش دست‌ها و ریل‌ها - روبرت صافاریان ..... ۱۸۷
- ابوالحسن صبا که بود؟ - بررسی نهایی از یک مستند ..... ۱۸۹
- گفت‌وگو با بزرگان موسیقی ایران - بررسی یک مستند ..... ۱۹۱
- بررسی برنامه گل‌ها - با نمونه‌هایی از اجراهای حسین تهرانی ..... ۱۹۲

بخش دوم گفت‌وگوها

- گفت‌وگو با عبدالوهاب شهیدی ..... ۱۹۷
- گفت‌وگو با عباس خوشدل ..... ۲۰۰
- گفت‌وگو با اکبر گلپایگانی ..... ۲۰۲
- گفت‌وگو با حسین خواجه‌امیری «ایرج» ..... ۲۰۶
- گفت‌وگو با جهانگیر ملک ..... ۲۰۸
- گفت‌وگو با فخرالدین فخرالدینی ..... ۲۰۹

## یگانه ترین هنرمند

میرعلیرضا میرعلی نقی<sup>۱</sup> (-۱۳۴۵)

نام تهرانی هنوز با واژه تمبک مترادف است. زمانی که تهرانی حیات داشت، همین طور بود و هنوز هم تغییری نکرده است. چهل و چند سال چرخش لیل و نهار، نتوانست او را از مسندی که با همت استخوان سوز خود ساخته بود، ذره‌ای فروتر بکشد. به تحقیق، در تاریخ موسیقی معاصر ما که زمان پیدایش مردان سرنوشت ساز و بنیانگذار است، هیچ کس چنین توفیقی را به این حد نداشته است که یگانه قله رفیع هنر خود باشد و کسی را با او یارای هماوردی نباشد. تهرانی، اما از اول تا آخر مسیری دیگر داشت، متفاوت (و نه متضاد) با هنرمندان بزرگ هم عصرش. در این یادداشت که با احترام و علاقه قلبی فراوان به او نوشته می‌شود، سعی بر این است که از تکرار مکررات دور باشد و تا جایی که در توان و امکان هست پرتوی تابانده شود، به برخی از خصوصیات انحصاری در زندگی هنری، خصوصی و اجتماعی او که از سایر بزرگان هم دوره‌اش متمایزش می‌کند. با احترام و تعظیم به نبوغ هنری او، شرافت همه عمر او، پاکی ضمیر و قلب رئوف او که انسان، هنر و طبیعت را می‌شناخت و تپش‌هایش را با ریتم‌ها می‌نواخت.

می‌توان برای حسین تهرانی، در ساز تمبک و هنر تمبک‌نوازی، همان نقش و پایگاهی را تصور کرد که برای هنرمندان بنیانگذار و به قولی مؤسس در هنر خود، قائل شده‌اند. هنرمندانی که ساز در دست آنها زبانی تازه باز کرد، تکنیک‌های اجرا به نیروی نبوغ آنها، زیباشناسی تازه‌ای را رقم زد که هم پیوند عمیق ژنتیک خود را با میراث گذشته حفظ کرده بود و هم بدون آویختگی به عناصر نامتجانس با زیباشناسی گذشتگان - که غالباً ثمری جز آثار ثقیل و ناگیرا را ندارد - توانست دنیای موسیقایی تازه‌ای بیافریند که به نحوی صادق و موفق، به بیان‌کننده جهان احساسات درون آنها بود و در عین نوین بودن، بسیار «آشنا» می‌نمود. گسستگی تاریخی که بیش از پنجاه سال است تمام زندگی و عناصر فرهنگی و بیان هنری ما را درگیر خود کرده، هنوز به این شکل رخ ننموده بود

۱. پژوهشگر تاریخ موسیقی معاصر ایران.

و به قولی، اینان، اقبال این را داشتند که وارثان آخرین صورت منطقی جهان پیرامون خود باشند. منطقی که آخرین ادوار حیات تاریخی و فکری خود را می‌گذرانند. حسین تهرانی نیز از این دست است. او وارث آموخته‌های معلمانش شد، و خود صد چندان بر آنها افزود و افزوده‌هایش قبول خاص و عام یافت. اما باید دید که تمبک و تمبک‌نواز در پایان عصر قاجار و آغاز عصر پهلوی که سرپیچ دنیای قدیم و دنیای جدید است، چه وضعیتی داشت و نوازنده‌اش در کجای چهارچوب بنای نسبتاً محقر موسیقی پیش از ورود علینقی وزیری و شاگردانش ایستاده بود.

حکایت‌های زیادی دربارهٔ موقعیت غالباً خوار و خفیف تمبک و تمبک‌نواز خواننده و شنیده‌ایم که همهٔ آنها کم‌وبیش، یا تکرار مکررند و یا از حال و هوایی مشابه تبعیت می‌کنند. و شاید این وضع تأسف‌آور را مربوط به اواخر دورهٔ قاجار بدانند. واقعیت چنین نیست. تحقیر و تمسخر ساز کوبه‌ای در تاریخ و فرهنگ ما ملت باستانی و همیشه مدعی، سابقه‌ای بسیار پیش از این دارد و می‌تواند موضوع مقاله‌ای جداگانه باشد. نگارنده مدتی را صرف جست‌وجو در متون کهن - از نظم و نثر - در این زمینه کرده ولی جز گردآوری انبوهی از شواهد (بیشتر شعر و کمتر نثر) به نتیجهٔ قابل ابرازی نرسیده است. همه‌جا سخن از تحقیر و تمسخر است ولی عنوان نمی‌شود که چرا؟ تنها چیزی که تا این زمان می‌توان گفت این است که این نیز بخشی از رفتارهای تعبدی و اعتیادی ما ایرانیان است. کسی (یا کسانی) می‌آیند و در موقعیتی که ذهن یا اذهان مخاطبان و مریدان‌شان در زمانی مناسب برای تلقین‌پذیری و پیروی کورکورانه است، مطلبی را که نفع‌شان در آن است، به مریدان گله صفت تزریق و تکرار می‌کنند و همین در طی زمان، تبدیل به عرف می‌شود. در ایران، عرف نیرویی است که عملاً از هر قانون مدنی و یا مذهب رسمی قوی‌تر عمل می‌کند و این را همهٔ ما شاهد بوده و هستیم. خیلی اوقات، تفسیرهای دلخواه از متون آسمانی می‌تواند در درازمدت تبدیل به عرف رایج شود. نظیر همین ممنوعیتی که هنر موسیقی در ایران از قرن‌ها پیش درگیر آن است، و انگار مناقشه‌ای است که صرف یکی از دو طرف، همیشه در حل‌نشدن نهایی آن است.

تحقیر ساز کوبه‌ای و نوازندهٔ آن اما، به قول قدما «به اضعاف مضاعف» است. یعنی اگر موسیقی دچار سرکوب است، این یکی دو چندان گرفتار سرکوب است. از طرف عوام و مرشدان‌شان که هیچ، از طرف خود اهالی توسری‌خوردهٔ موسیقی هم تحقیر می‌شده است. یعنی آن‌ها هم در این مورد، چندان برخلاف عوام‌الناس رفتار نمی‌کرده‌اند. تهرانی در جایی متولد شد که وارث ژنتیک چنین باورهایی بود. حتی پدرش میرزا اسماعیل عطار که ریش سفید محل بود، و در خفا موسیقی و برخی متعلقات مجالس بزم را هم

نیز جز ستایشی گذرا از تهرانی - در کنار وزیری و سمعی - مطلب دیگری درباره او نمی‌توان خواند و شاید هم نوشتن درباره او و صبا و برخی دیگر را حواله به جلد‌های بعدی کرده بود. به هر حال، ما از دوره اول تعلیم و تکوین هنری حسین تهرانی چیزی پیش از این نمی‌دانیم. تا پیش از سال ۱۳۲۴ نیز اثری از او - تکنوازی - مطلقاً ضبط نشده است. جالب این‌که در سال‌های ۱۳۱۰ - ۱۳۲۰ تمبک‌نواز و تصنیف‌خوانی به نام حسین تهرانی تعدادی صفحه سنگی پر کرده که امروز از او، جز همین نام، هیچ چیز دیگری نمی‌دانیم و می‌توان مقاله مربوط به صفحه‌های او را در همین کتاب خواند.

ریشه‌های سازنده هنر حسین تهرانی در ضربی خوانی، اجرای ضربی‌ها و کار عمل‌های قدیم که در ضبط‌های بیست سال آخر عمر او شنیده می‌شود، در همین سال‌ها شکل گرفت. موسیقی کلاسیک شهری ایران، با شاخص «دستگاه» تا آن حد که در پروراندن نغمه‌ها متمرکز بوده، در حوزه اوزان، چنین غنایی را نشان نمی‌دهد، و یا لاقلاً استنباط امروز ما از آن‌چه که به عنوان میراث هنری گذشتگان در دست داریم، چنین نشان می‌دهد. برخی بر این باورند که دنیای اوزان موسیقی عصر قاجاری بسی غنی‌تر و پیچیده‌تر از این حدی بوده است که به چشم می‌آید. موضوع به این سادگی نیست. اگر مینا، دوایر ایقاعی موسیقی قدیم ایران بر اساس رسالات بزرگانی چون عبدالقادر و صفی‌الدین باشد، نباید فراموش کرد که این رسالات بیشتر جنبه نظری دارند و استخراج موسیقایی که دقیقاً حاوی همان محتوا باشد، با در نظر گرفتن عوامل متعددی که اجرای قابل اعتماد و «بدل‌سازی نشده» را پدید بیاورد، کاری است دشوار و گاه عملاً غیرممکن. اگر مینا، صفحه‌هایی باشد که از هنرمندان دوره قاجار در دست است، موضوع روشن‌تر است و نیاز به توضیح نیست که خود آن اجراها، حدود و حدود هنری خود را نشان داده‌اند: صداگیری‌های متنوع از تمبک - که همگی به دست تهرانی پدید آمد - اصلاً وجود ندارند. تکنیک‌های اجرایی محدودند و به خاطر فقر تکنولوژی لازم برای ضبط، همان‌ها هم خوش صدا به گوش نمی‌رسند. به قول تهرانی: «همین‌طور تاپ‌تاپ می‌کردند». تمبک، شخصیت قوام‌یافته و مستقلاً نداشت و نقش آن نهایت، یا «پای ساز» بود و یا پای آوازی که گاه تصنیف‌خوانی ماهر می‌خواند و یا نوازنده و خواننده، یکی بودند. ضرب‌گیر خوب کسی بود که مهارت همراهی با صدای ساز و آواز (و گاه آواز خودش) را داشت و هرچه محفوظات او از ضربی‌ها و کار عمل‌ها بیشتر بود، ارزش او نزد اهل فن بیشتر می‌شد. البته اگر با وجود آن تحقیرهای آشکار و نهان که در محافل خصوصی و جمع‌های تخصصی موسیقی نوازان و خوانندگان به آنها نثار می‌شد، بتوان واژه «ارزش» را با اطمینان به کار برد.



بود. شاید به این دلیل که تمبک، اولاً در نظام فکری و زبیری و طرح‌های او برای اعتلای موسیقی آینده، تعریف نشده بود. و ثانیاً، تفاوت فاحش طبقاتی تهرانی با سایر شاگردان مدرسه که از خانواده‌های اعیان فرهیخته و تحصیل کرده‌های دانشگاهی بودند، باعث شده بود که در فضای موسیقی و زبیری جایی برای خود نبیند. فضایی که به‌راستی جای او بود. تا این که سرنوشت چرخید و تقدیر از دری نو درآمد. سال ۱۳۱۷ تا ۱۳۱۸ تهران در واپسین سال‌های رضاشاهی، در آستانه جنگ جهانی دوم، و موسیقی ایران از آن سال نحسی مضاعف (۱۳۱۳) به حاشیه اجتماع و به محافل خصوصی رانده شده، شبی در گلندوک، یک بیلاق مشهور شمال شرق تهران و در منزل نظام‌السلطان خواجه‌نوری، از اعیان فرهیخته، با وساطت سیدجواد بدیع‌زاده، هنرمندی خوش‌قریحه و برخاسته از همان طبقه دوم اجتماع دعوت به اجرا شد و بخت او سعد افتاد. با ابوالحسن صبا آشنا شد. هنرمندی کامل و برازنده و از هر جهت جامع و بی‌بدیل. دیدار با صبا برای هر صاحب استعدادی، سرنوشت‌ساز بود. او را کاشف و پرورش‌دهنده استعدادهای شناخته‌اند. موسیقیدانی که اتفاقاً برخی از بهترین هنرمندان دوران بعد از خود را از بین مردم عادی و فاقد شناسه‌های طبقاتی و تحصیلاتی، شناخت و رشد داد. او بود که گوهر ذاتی حسین ضربی را دریافت و رها نکرد. تهرانی بعدها گفت: «صبا ما را قاپید.» همان‌طور که ده سال بعد از آن، استعداد ابراهیم قنبری مهر، استاد استادان در رشته سازسازی را در لباس کارگری نجار از جنوب شهر تهران شناخت و او را به مسیری از تعالی هدایت کرد که تصورش در آن زمان، غیرعملی و ناممکن می‌نمود. رابطه این دو با صبا، ترکیبی از استادی و پدری بود و هر دوی آنها، با تأثیرپذیری از جذبه‌های هنر و شخصیت و جاذبه‌های درخشان آن موسیقیدان به واقع استاد، پیوند عمیق روانی، و پیروی هنرشان را با او تا آخرین ساعت‌های عمر استاد، حفظ کردند.

ابوالحسن صبا، عصاره هنر استادان قبل و چهره شاخص جریان تجددخواهی موسیقی به رهبری وزیری، معلمی نبود که تنها به ارائه مطالب و تکنیک‌ها اکتفا کند. سلوک او در موسیقی، به‌ویژه در آموزش، شبیه پژوهشی دامنه‌دار و عمیق از چند جنبه بود: استعدادیابی، روان‌شناسی فردی، برنامه‌ریزی برای پرورش شاگرد، و تعیین سیر برای رشد او در سال‌های آینده عمر. او ابراهیم قنبری را که کارگر نجار ساده‌ای بود و با راه‌اندازی اولین کارگاه مبل‌و‌صندلی‌سازی‌اش، خواسته‌ای جز مختصری آشنایی با نوازندگی ویولن در دل نداشت، در مسیر سازسازی انداخت. فرامرز پایور را که در ابتدا، کل بضاعتش کمی آشنایی آماتوری با ستورنوازی و عادت به اجرا در بین جمع بود، تنها با هشت سال معاشرت و آموزش، به یکی از بزرگ‌ترین چهره‌های موسیقی کلاسیک

# šast o se

The Remembrance of  
Iranian Famous Tombak Musician  
Hossein Tehrani  
1911 - 1974

Prepared by Mahmood Rafieian  
Preface by Mir-Alireza Mir-Alinaghi

